
عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گرایش بانوان تهرانی برای مهاجرت به کشورهای مهاجرپذیر در سال ۱۳۸۹

فریده قرابی تبریزی^۱ دکتر ابراهیم سری دیوشلی^۲، دکتر مجید کفاشی^۳

چکیده: در این پژوهش به بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت دیگر می‌پردازیم. هدف این پژوهش شناخت عوامل تأثیرگذار بر میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت است که با استعانت از نظریه‌های مرتبط مانند نظریه‌های سرمایه انسانی، جاذبه و دافعه، جهانی شدن و فمینیسم مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهشگر با طرح پرسش‌هایی از قبیل اینکه عوامل اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی چه تأثیری بر میزان گرایش مهاجرت بانوان تهرانی دارد؟ آیا می‌توان اذعان داشت که گرایش بانوان تهرانی متأثر از عوامل اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی است؟ و اگر چنین است کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟ به تحلیل و تبیین موضوع پرداخته است. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر طیف لیکرت است. نمونه مورد مطالعه ۳۰۹ نفر از بانوان تهرانی هستند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و در نهایت با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار *SPSS* استفاده شده است. رابطه بین متغیرهای مستقل (امکان کارایی، امنیت شغلی، تأمین منزلت اجتماعی، شایسته‌سالاری، حقوق زنان، فضای اجتماعی مناسب، امکانات آموزشی، آزادی عقیده، آزادی در نوع پوشش، تعلقات قومی) و متغیر وابسته (میزان گرایش زنان به کشورهای مهاجرپذیر) مثبت و نسبتاً قوی است. از مجموع تأثیرات، سهم میزان تأثیر عوامل اجتماعی در مرحله اول، عوامل اقتصادی در مرحله دوم و عوامل فرهنگی در مرحله سوم قرار دارد و در مجموع ۹۸ درصد تغییرات متغیر وابسته گرایش به مهاجرت را این سه متغیر اصلی تبیین می‌کند.

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱۱

کلید واژه‌ها: مهاجرت، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بانوان تهرانی

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده علوم اجتماعی، گروه مطالعات زنان، رودهن، ایران

farideh.ghorabi@gmail.com

۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان، ارسنجان، ایران.

۳. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، گروه علوم اجتماعی، رودهن، ایران

kafashi@riau.ac.ir

مقدمه

مهاجرت نوعی جابه جایی است که به دلایل با هدف‌های متفاوت در دو سطح داخلی و بین‌المللی انجام می‌گیرد. حرکات مهاجرتی یا جابه جایی جغرافیایی جمعی دستاورد شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی یا محیطی است. منظور اینکه هر یک از عوامل فوق به نحوی زمینه مهاجرت را فراهم می‌آورند (فروغی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۸).

اما واقعیت مهمی که به خصوص در سال‌های اخیر رشد و افزایش قابل توجهی یافته است، مهاجرت زنان است، اولین مطالعاتی که به طور خاص به این موضوع پرداختند، به اوایل دهه ۱۹۷۰ مربوط می‌شود. از آن پس مهاجرت زنان مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفت، به طوری که در دهه ۱۹۸۰ دیدگاه‌های نظری متعددی در این مورد مطرح شد. هر چند که در این زمان نیز برخی از مطالعات، رابطه مهاجرت زنان با خانواده و نقش‌های خانوادگی مدنظر بوده است، با گذر زمان، تحقیقات جدید این پدیده را با نگاهی گسترده تر بررسی کردند و تنها در محدوده خانواده به آن نپرداخته‌اند. (کوران و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۰۳).

الگوهای گزینشی مبتنی بر جنسیت در گروه‌های مختلف متفاوت است. برای مثال در بسیاری از موارد زنانی که دارای آموزش بالاتر هستند بیشتر گرایش به مهاجرت داشته‌اند. در واقع آنها از فرصت‌های تحصیلی و شغلی موجود در مقصد آگاهی بیشتری دارند و برای عینیت بخشیدن به مهاجرت تواناترند. با توجه به این که مهاجرت زنان از دیدگاه صاحب نظران توسعه و جنسیت، معرف توان‌مندی زنان است و تحرک زنان را به عنوان نتیجه توسعه در نظر می‌گیرند، در واقع سطوحی از توسعه ممکن است افراد را تشویق به مهاجرت یا ماندن در مبدأ کند (سنگرا، ۲۰۰۴: ۶). لیکن گاهی سوءاستفاده زبانی، فیزیکی و جنسی، مسکن نامناسب، دستمزد پایین، ساعت‌های طولانی کار، بیماری و فقر مشکلاتی هستند که زنان مهاجر با آنها روبرو می‌شوند (محمودیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۵). بنابراین با عنایت به مطالب فوق محقق درصدد است علل و انگیزه‌های اصلی مهاجرت بانوان تهرانی به کشورهای دیگر را شناسایی کند و اولویت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی آنان در زمینه مهاجرت را تشخیص دهد تا با ارائه راهکارهای مناسب گامی در جهت برنامه ریزی مطلوب در این زمینه برداشته شود.

بیان مسأله

سرمایه انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل انکارناپذیر در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و مهاجرت افراد در واقع به معنای انتقال سرمایه انسانی از کشورهای مبدأ به کشورهای مقصد است. خروج این سرمایه انسانی زنگ خطری برای کشورهای جهان سوم به حساب می‌آید، زیرا نه تنها این گونه کشورها را با تنگنای نیروی انسانی تحصیل کرده روبه‌رو می‌سازد، بلکه وابستگی این کشورها به کشورهای صنعتی را نیز هر روز افزون‌تر می‌کند؛ بنابراین اهمیت موضوع پدیده مهاجرت زنان ناشی از نقش مهمی است که زنان در خانواده دارند، عوامل اصلی جامعه‌پذیری فرزندان محسوب می‌شوند، و تصمیم آنها برای ترک وطن و گرایش به مهاجرت در تصمیم فرزندان و پدر خانواده بسیار تأثیرگذار است. مطالعات مقدماتی و متون موجود حاکی از این واقعیت است که رابطه‌ای بین عوامل اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی کشور مبدأ و گرایش زنان به مهاجرت مشاهده می‌شود. در این پژوهش محقق تلاش دارد این موضوع را مورد مطالعه قرار دهد که عوامل اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی موجود تا چه اندازه بر گرایش مهاجرت بانوان تهرانی تأثیر دارد؟ آیا می‌توان ادعان داشت که گرایش بانوان تهرانی متأثر از عوامل اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی است؟ و اگر چنین است کدام یک از اولویت بیشتری برخوردار است؟ بنابراین هدف مقاله شناخت رابطه بین عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت است.

پیشینه پژوهش

اگرچه تحقیقات بسیاری در زمینه مهاجرت انجام شده است، نگارنده نگاهی کوتاه به شمار محدودی از این تحقیقات دارد.

الف) شعبانلو (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور، به مطالعه دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف» پرداخته است و نمونه مورد مطالعه او ۳۵۰ نفر از این دانشجویان بوده‌اند. نتیجه تحقیق نشان داد که روابط مطرح شده در فرض‌های مربوط به رابطه بین گرایش به مهاجرت (به عنوان متغیر وابسته تحقیق) با شرایط سیاسی و فرهنگی داخل و خارج از کشور و همچنین شرایط اقتصادی داخل کشور تأیید و با شرایط اجتماعی و حرفه‌ای داخل و خارج از کشور و همچنین شرایط اقتصادی خارج از کشور رد شدند.

ب) طوسی (۱۳۸۰) تحقیقی با عنوان «نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بر روند مهاجرت مغزها» انجام داده است. نتایج نشان داد که هیچ تک عاملی را نمی‌توان عامل مؤثر بر پدیده مهاجرت مغزها معرفی کرد، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر و در تعامل با هم در تعیین الگوی مهاجرت مؤثر هستند.

ج) صالحی (۱۳۸۱)، در تحقیق خود پدیده فرار مغزها و علل و عوامل مرتبط با آن را مورد بررسی قرار داده است. او انگیزه فرار مغزها را ضعف نظام آموزشی کشورهای جهان سوم و مهم‌ترین عامل مؤثر بر دفع مغزها می‌داند. نیازی و موحد (۱۳۸۶) در مقاله ای تحت عنوان «رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان»، به بررسی رابطه میان ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی دانشجویان و گرایش به مهاجرت پرداخته اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که از بین متغیرهای فرهنگی و اجتماعی، دانشگاه محل تحصیل، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، نگرش به جایگاه زنان تحصیل کرده در ایران، احساس تعلق به وطن، ابعاد چهارگانه دینداری با متغیر وابسته رابطه معنادار داشته‌اند.

د) در تحقیقی که نوراللهی در سال ۲۰۰۹ تحت عنوان مهاجرت زنان ایرانی در جستجوی آزادی اجتماعی-سیاسی و مذهبی انجام داده است، به بررسی دلایل مهاجرت زنان ایرانی از ایران به ایالت متحده آمریکا در چندین دهه گذشته می‌پردازد. وی از روش مصاحبه عمیق، پانزده زنی را که قبل و بعد از انقلاب از ایران مهاجرت کرده‌اند، مورد مطالعه قرار داد. نتیجه تحقیق نشان داد که دلیل مهاجرت آنها و ترک ایران رد پدرسالاری فرهنگی و سیاسی، محدودیت در آزادی و به دست آوردن فرصت‌های اقتصادی در محیط جدید است.

ه) در تحقیقی که پاوان، یهوداوناشر در سال ۲۰۰۷ با موضوع «مسأله فرار مغزها در دانشگاه‌های میسوری و کلمبیای آمریکا و دانشگاه‌های نرویدج و شرق آنجلیای انگلیس روی ۹۴۹ دانشجوی رشته مدیریت انجام داده دلایلی که این محققان برای پدیده فرار مغزها بیان کرده اند، عبارتند از جهانی شدن، توسعه فناوری‌های ارتباطی و حمل و نقل، توسعه اقتصادی و ظهور بازارهای تجاری، غرب‌گرایی شدن تحصیلات مدیریتی، توسعه تحصیلات به عنوان یک صنعت مهم برای کشورهای مثل آمریکا، انگلیس و استرالیا و فقدان پایدار افراد متخصص در کشورهای توسعه یافته (پاوان، یهوداوناشر^۱، ۲۰۰۷).

و) کانجاسنمی و همکاران^۱ در سال (۲۰۰۷) فرار مغزها را با تأکید بر مغزهای پزشکی مورد بررسی قرار داده اند. یافته های این تحقیق که در میان ۱۳۷ نفر اجرا شده است نشان می‌دهد مهم‌ترین انگیزه پزشکان برای مهاجرت به خارج از کشور در آمد است و فرضیه سودمندی مهاجرت مغزهای پزشکی برای کشور فرستنده رد می‌شود (کانجاسنمی و همکاران^۲، ۲۰۰۷).

چارچوب نظری تحقیق

به دلیل ماهیت چند وجهی و بین رشته‌ای مهاجرت، نظریه‌های مختلفی برای تحلیل و تبیین دلایل و عوامل برانگیزاننده مهاجرت مطرح شده است. که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موضوع را در بر گرفته‌اند. از این منظر تکیه بر یک نظریه یا تأکید بر یک بعد (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) برای تبیین دلایل و عوامل برانگیزاننده مهاجرت کافی نیست. لذا از میان نظریه‌ها و تحقیقاتی که در این زمینه مطرح شده اند، چهار دیدگاهی که با موضوع تحقیق هماهنگی بیشتری دارند، در پژوهش حاضر برای تبیین مسئله مدنظر قرار گرفته اند که عبارتند از نظریه سرمایه انسانی، جاذبه و دافعه، جهانی شدن و فمینیسم. این نظریه‌ها اگرچه به طور مستقیم موضوع مهاجرت زنان را طرح نمی‌کنند، هر یک به بخشی از دلایلی که انگیزه مؤثری برای مهاجرت زنان هستند اشاره دارند.

الف) نظریه سرمایه نیروی انسانی (لاری سااستاد^۳): لاری سااستاد، برتری انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت را به گونه دیگری مطرح کرده و به مسأله مهاجرت از دید سرمایه‌گذاری پرداخته است. این بحث به تدریج تکمیل و به نظریه سرمایه نیروی انسانی موسوم شد. به نظر وی فرد وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد. این بازدهی فراتر از تفاوت درآمد در مبدأ و مقصد مهاجرتی است؛ زیرا براساس نظریه وی که به نظریه هزینه - فایده موسوم است، مهاجرت زمانی انجام می‌گیرد که درآمد در مبدأ به علاوه هزینه واقعی مهاجرت کمتر از درآمد قابل انتظار باشد. در غیر این صورت، حتی اگر درآمد قابل انتظار در مقصد بیش از درآمد مبدأ باشد، باز هم مهاجرتی انجام نمی‌گیرد. در نظریه وی هزینه‌های مهاجرت شامل هزینه‌های پولی مستقیم، هزینه‌های پولی غیر مستقیم و هزینه‌های روانی است

1. Kangasnime et al.

2. Saasted, Larry A.

که مجموع آنها را هزینه‌های واقعی مهاجرت می‌نامند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲). در این پژوهش برای عوامل فرهنگی به این حیطة نظری تکیه شد.

ب) رویکرد جهانی شدن: این رویکرد، مهاجرت را یک اضطراب و شکل در حال رشدی از اقتصاد جهانی کنونی می‌داند که بر زندگی میلیون‌ها زن، مرد و بچه تأثیر می‌گذارد (سنگرا، ۲۰۰۴: ۵۹). مهاجرت متخصصان به کشورهای توسعه یافته نتیجه افزایش تعامل جهانی و نابرابری جهانی پایدار میان ملت‌ها است که هر دو باز تاب روند تعامل جهانی گسترده هستند. از یک طرف، با شدت گرفتن فرایند جهانی شدن، روابط بین کشورها به ویژه بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه تقویت می‌شود. از طرف دیگر، این فرایند، اختلاف کلی کشورها از لحاظ توسعه یافتگی را حفظ می‌کند و استمرار می‌بخشد (چنگ و یانگ^{۱۱}، ۱۹۹۸: ۶۲). تحلیل‌های جهانی شدن از دیدگاه جنسیتی، افزایش تحرک افراد مخصوصاً زنان را در درون و در عرض مرزهای ملی و بین‌المللی نشان می‌دهد. طبق این رویکرد، مهاجرت روزافزون زنان ناشی از دو فرایند هم‌زمان و مرتبط به هم است که ریشه آنها نیز در جهانی شدن است؛ فرایند اول: در حاشیه ماندن جوامعی که گرچه به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شرایط مساعدی نیستند، گروه‌های فرودست زیادی نظیر زنان و دخترانی که از منابع محرومند در آن زندگی می‌کنند. این عامل باعث می‌شود که زنان و دختران در جستجوی وسایل و مشاغل قابل دوام برای معیشت‌شان باشند. فرایند دوم: استخدام نیروی کار مبتنی بر جنسیت نتیجه تقاضا برای نیروی کار زن است. تقاضایی که ناشی از رشد جهانی بخش خدمات است و شامل کار خانگی، مراقبت از افراد سالمند و بیمار، خدمات جنسی و غیره می‌شود (سنگرا، ۲۰۰۳: ۵۹). در این پژوهش برای عوامل اجتماعی به این حیطة نظری تکیه شد.

ج) نظریه جاذبه و دافعه: اورت س. لی^۲ ۱۹۶۶ در مقاله‌ای با عنوان «نظریه‌ای درباره مهاجرت» که در مجله جمعیت‌شناسی آمریکا منتشر کرد مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده می‌داند: ۱. عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده یا بازدارنده) ۲. عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده یا بازدارنده) ۳. موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد ۴. عوامل شخصی. نظریه او به نظریه عوامل دافعه و جاذبه مشهور است. براساس این نظریه، رانش‌ها و کشش‌های متنوعی در مبدأ و مقصد مهاجرتی وجود دارد که فرد را به ماندن در محل یا مهاجرت از آن بر

1. Cheng & Yang

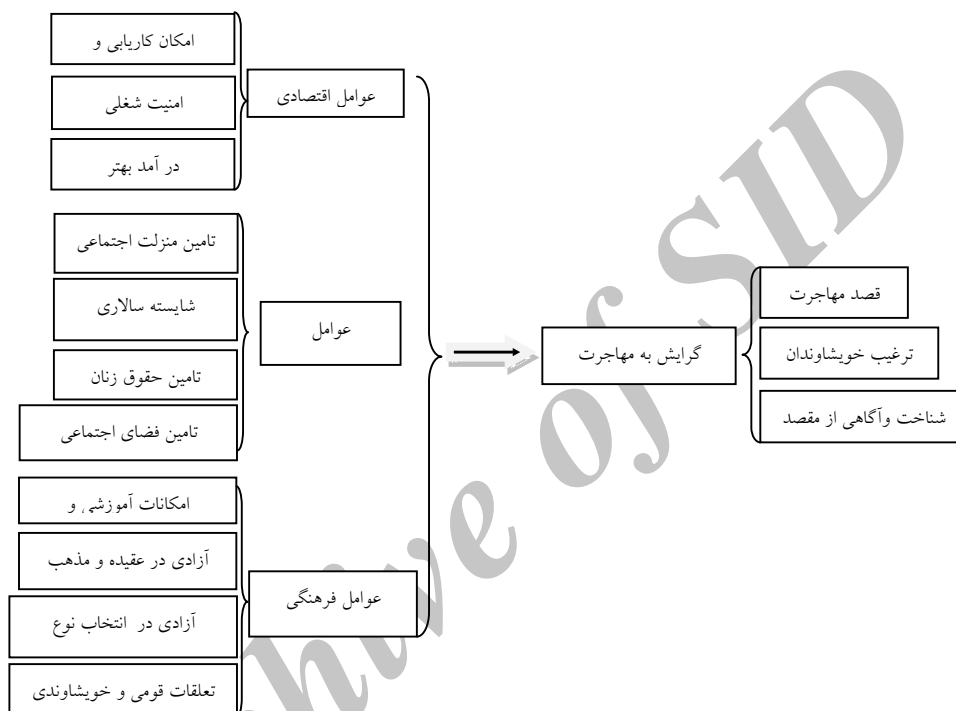
2. EverretS Lee

می‌انگیزند. در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و چنانچه در مرحله بعد، شرایط و امکانات مناسب فراهم باشد و عوامل شخصی و موانع موجود در جریان مهاجرت تأثیری بازدارنده اعمال نکنند، تمایل به مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد مهاجرت می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

د) دیدگاه فمینیستی: در رویکرد فمینیستی، بر مهاجرت زنان به عنوان زمینه ای که فرصت‌های جدیدی برای بهبود زندگی زنان و تغییر روابط جنسیتی فراهم می‌کند، تأکید می‌شود. مهاجرت می‌تواند منبع استقلال، اعتماد به نفس بیشتر و پایگاه اجتماعی بالاتر برای زنان هم باشد. مهاجرت بر روابط جنسیتی مخصوصاً نقش زنان در خانواده و اجتماع تأثیر می‌گذارد. مهاجرت در بسیاری از جنبه‌ها استقلال و قدرت زنان را تقویت می‌کند. آنها با هنجارهای جدید مرتبط با حقوق و فرصت‌های زنان آشنا می‌شوند. اگر به مشاغل بیرونی دسترسی پیدا کنند ممکن است به منابع مالی نیز دسترسی پیدا کنند و این عامل برای زنانی که مسئولیت بیشتری در امور خود و خانواده‌شان دارند عامل مهمی برای استقلال در تصمیم‌گیری است. طرفداران این دیدگاه، از محدودیت تحرک زنان انتقاد می‌کنند و بر فراهم آوردن زمینه تحرک داوطلبانه و تصمیم‌داوطلبانه خود زنان برای رفتن یا ماندن خیلی تأکید دارند. با این حال، این نظریه‌پردازان ادعا می‌کنند که وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی مهاجر دلیل مسئله ساز بودن مهاجرت زنان نیست، بلکه شرایط اجتماعی، فرهنگی اقتصادی نابرابر است که مهاجرت زنان را به یک مسئله اجتماعی تبدیل می‌کند. یکی از مسایل مرتبط با زنان مهاجر در دیدگاه فمینیستی، نابرابری و تبعیض علیه زنان در بازار کار است. در بحث نابرابری در بازار کار به نابرابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی، نابرابری دستمزد، محدودیت شغلی، بهره‌کشی از زنان و ناامنی در محیط کار اشاره می‌شود (سنگرا، ۲۰۰۴: ۸). در این پژوهش برای عوامل اجتماعی به این حیطة نظری تکیه شد.

مدل نظری تحقیق

برای تبیین تأثیر شاخص‌ها و متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مدل زیر نمایش داده می‌شود تا روابط متغیرها بیشتر مشخص گردد.



فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی ۱: بین عوامل اقتصادی و میزان گرایش بانوان تهرانی برای مهاجرت به کشورهای دیگر رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱-۱) بین امکان‌های کاریابی و اشتغال در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

۱-۲) بین امنیت شغلی در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۱) بین درآمد بهتر در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی ۲: بین عوامل اجتماعی و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

۱-۲) بین تأمین منزلت اجتماعی در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

۲-۲) بین شایسته سالاری در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۲) بین تأمین حقوق زنان در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

۴-۲) بین تأمین فضای اجتماعی مناسب در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی ۳: بین عوامل فرهنگی و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی

۱-۳) بین امکانات آموزشی و تحصیلی مناسب در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

۲-۳) بین آزادی عقیده و مذهب در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۳) بین آزادی در انتخاب پوشش در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

۴-۳) بین تعلقات قومی و خویشاوندی در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

تعاریف عملیاتی

شاخص‌های سنجش و اندازه‌گیری متغیرها (ماتریس متغیرها) در جدول زیر نشان دهنده متغیرهای مستقل، وابسته، تعریف نظری و عملیاتی آنها است.

جدول شماره ۱: تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای وابسته و مستقل

ردیف	متغیرها	نوع متغیرها	سطح سنجش متغیرها	شاخص‌ها	تعریف نظری	تعریف عملیاتی
۱	گرایش زنان به مهاجرت	وابسته	رتبه ای	قصد مهاجرت، ترغیب	گرایش، نظام و آمیزه ای در هم تنیده از احساسات، ادراکات و تمایلات رفتاری یک شخص درباره یک چیز شخصی یا گروه و یک واقعه است	قصد مهاجرت، ترغیب خویشاوندان، شناخت و آگاهی از مقصد
				امکان کاربایی و اشتغال	عوامل مؤثر بر اشتغال به خصوص برای افراد تحصیلکرده	یافتن شغل دلخواه در جایی که برابری جنسیتی دیده می شود
۲	عوامل اقتصادی	مستقل	رتبه ای	امنیت شغلی	توقف اخراج و بیکارسازی مزد بگیران، لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء و جایگزین کردن نیروهای خودی	ثبات و امنیت شغلی و عدم امنیت شغلی به ترتیب در کشور مقصد و در کشور مبدأ
				درآمد بهتر	درآمد بیشتر در کشور مقصد	عدم دسترسی به درآمد مطلوب در داخل کشور، افزایش درآمد در خارج از کشور
۳	عوامل	مستقل	رتبه ای	منزلت اجتماعی	پول، طبقه اجتماعی،	در کشورهای

اجتماعی	قشر اجتماعی و قدرت از مؤلفه های تشخیص منزلت اجتماعی هستند	پیشرفته زن و مرد در هر شغل و جایگاهی که قرار دارند از منزلت اجتماعی برخوردارند
شایسته سالاری	شیوه ای از حکومت یا مدیریت است که براساس آن دست اندرکاران برپایه توانایی و شایستگی شان برگزیده می شوند	در کشورهای پیشرفته هر کسی که شایسته تر است شغل و موقعیت بهتری دارد
برابری حقوق زن و مرد	به رسمیت شناختن حقوق برابر زن و مرد در قانون، رسوم سنتی یا اخلاقی	توجه به حقوق زنان در خارج از کشور
فضای اجتماعی مناسب	محدودیت فضای اجتماعی مناسب برای کار زنان به عرف و فرهنگ سیاسی در جوامع کشورهای در حال توسعه	فضای روابط اجتماعی سالم، صداقت در گفتار و کردار در بین مردم، اعتماد مردم به یکدیگر در کشورهای دیگر
۴ عوامل فرهنگی	امکانات آموزشی و تحصیلی	مستقل رتبه ای
	تجهیزاتی برای پیشرفت و افزایش سطح دانش و توانایی	ادامه تحصیل و کسب درجات علمی بالا، فضاهای آموزشی و امکانات کشور مقصد، شیوه آموزش و نحوه پذیرش دانشجو در داخل کشور
	آزادی عقیده	ممنوعیت قانونی یا غیرقانونی در بیان عقاید
		احترام به عقاید افراد و آزادی عقیده در کشور مقصد

آزادی مذهب	آزادی فرد یا گروه	آزادی در مذهب و
	برای بیان کردن،	انتخاب دین در کشور
	عمل کردن و رعایت	مقصد
	کردن آیین ها و	
	باورهای دینی خود	
آزادی در نوع پوشش	آزادی در نوع پوشش	ساختار اجتماعی،
پوشش	به معنای دقیق	سیاسی حاکم موجب
	پوشیدگی بدن با هر	شده است که زنان با
	وسيله و به هر شکلی	محدودیت پوشش
	که دلخواه فرد است.	مواجه شوند.
تعلقات قومی و	وابستگی قومی، ملی	وابستگی به اقوام و
خویشاوندی	و خویشاوندی در	بستگان ساکن در
	کشور مقصد	خارج از کشور

روش شناسی

روش‌های پژوهشی که به تناسب از آنها در پژوهش حاضر استفاده شده است عبارتند از: الف) روش اسنادی و کتابخانه‌ای: برای دستیابی به چارچوب نظری، شفاف شدن واقعیت اجتماعی و آگاهی از پیشینه و متون پژوهشی در مورد مهاجرت بانوان از روش فوق استفاده شده است. ب) روش پیمایشی: برای جمع‌آوری داده‌ها، طبقه‌بندی، توصیف، تحلیل آنها از روش پیمایشی استفاده شده است.

جامعه آماری

جامعه آماری، حوزه تعمیم نتایج و یافته‌های پژوهش است، از این رو جامعه آماری در بردارنده کلیه افراد مورد بررسی است که پژوهشگر از میان آنان واحدهای نمونه خود را گزینش می‌کند. لذا جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه بانوان تهرانی هستند که قصد مهاجرت به کشورهای دیگر را دارند. نمونه مورد مطالعه، بانوانی هستند که در مراکز آموزش زبان انگلیسی IELTS در تهران برای تکمیل پرونده به قصد مهاجرت آموزش می‌بینند، آنهایی که به دفاتر وکلای مهاجرت در تهران برای مهاجرت مراجعه کرده‌اند و بانوانی که به بخش مربوط به مهاجرت وزارت علوم در تهران برای مهاجرت مراجعه می‌کنند.

شیوه نمونه گیری و انتخاب حجم نمونه

بانوان تهرانی که قصد مهاجرت به کشورهای دیگر را دارند به شیوه نمونه گیری اتفاقی به تفکیک مراکز مهاجرتی انتخاب شدند. به عبارت دیگر بانوانی که در مراکز آموزش زبان انگلیسی *IELTS* تهران برای تکمیل پرونده مهاجرت آموزش می‌بینند، بانوانی که به دفاتر وکلای مهاجرت در تهران برای مهاجرت مراجعه کرده‌اند و بانوانی که به بخش مربوط به مهاجرت وزارت علوم در تهران برای مهاجرت مراجعه کرده‌اند به طور اتفاقی انتخاب و سؤال‌های را پاسخ داده‌اند. تعداد نمونه مورد بررسی ۳۷۹ نفر است که با توجه به پردازش پرسش‌نامه‌ها، تعداد ۷۰ پرسشنامه در این مرحله به دلیل کم توجهی پاسخگویان به سؤال‌های کنار گذاشته شد و ۳۰۹ پرسشنامه در تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. ابزار سنجش در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که براساس لیکرت طراحی شده است.

اعتبار یا روایی تحقیق

الف) اعتبار یا روایی صوری از نوع محتوا: جهت حصول اطمینان از اعتبار یا روایی پرسشنامه، سؤال‌های، گویه‌ها و طیف مورد استفاده در اختیار افراد صاحب نظر در موضوع مورد مطالعه (استادان رشته‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی) قرار گرفت. سپس گویه‌های مورد توافق در ابزار اندازه‌گیری لحاظ شد و بقیه مواردی که از نظر صاحب نظران ارتباط چندانی با موضوع نداشتند حذف شدند.

ب) تعیین اعتبار یا روایی به روش آلفای کرونباخ برای بررسی انسجام درونی: در این روش ضریب آلفای کرونباخ عمومیت بیشتری دارد. بنابراین گویه‌های منتخب در بررسی مقدماتی مورد تحلیل قرار گرفتند و نتایج حاصل نشان داد مقیاس‌های به کار رفته از انسجام درونی قابل قبولی برای متغیرهای تحقیق برخوردارند. به طوری که ضرایب همبستگی در بررسی اولیه نشان می‌دهد آلفای مقیاس‌ها بیشتر از ۰/۷۰ است که در حد بالایی است. آلفای سؤال‌های ۱۵ تا ۲۷ برای سنجش عوامل اجتماعی ۰/۹۰، سؤال‌های ۲۸ تا ۳۵ برای سنجش عوامل اقتصادی ۰/۸۳، سؤال‌های ۱ تا ۱۴ برای عوامل فرهنگی ۰/۸۲ و آلفای کلی پرسشنامه ۰/۸۹ است.

یافته ها

الف) توصیف نمونه آماری

بررسی توزیع سنی نمونه آماری پژوهش نشان داد که حداقل سن پاسخ دهندگان ۱۹ سال و حداکثر ۵۶ سال است، اما بیشتر نمونه ها ۲۴ سال دارند که نشان از جوان بودن نمونه آماری دارد. بیش از ۵۰ درصد نمونه ها دارای مدرک لیسانس هستند، پس از آن افراد دارای مدرک فوق لیسانس در رتبه دوم قرار می گیرند. اکثر آنان شاغل و متأهل هستند. حداقل میزان درآمد ماهیانه پاسخگویان ۷۰ هزار تومان و حداکثر هفت میلیون تومان است، برخی از آنان با وجود درآمد بالا و موقعیت اجتماعی مناسب، از جمله پزشکی که درآمد بالایی داشتند، درصد مهاجرت بوده اند و این امر نشان دهنده وجود عواملی مهم تر از مسایل اقتصادی است. در مورد میزان گرایش به مهاجرت، حدود ۳۴ درصد در سطح زیاد و ۶ درصد خیلی زیاد گرایش به مهاجرت داشته اند. ۲۵ درصد در سطح متوسط بوده اند و ۲۸ درصد نیز پاسخ نداده اند. در مجموع گرایش به مهاجرت متوسط به بالا بوده است. ۸۷ درصد شخصاً قصد مهاجرت داشته اند، ۴۸ درصد نیز خویشاوندانشان در ترغیب آنها به مهاجرت نقش داشته اند. در واقع موقعیت تثبیت شده اقتصادی و اجتماعی مهاجران در خارج از کشور سبب جذب بستگان و دوستان می شود و به عنوان یک عامل جذب قوی عمل می کند.

ب) آزمون فرضیه ها

برای سنجش رابطه بین عوامل اقتصادی و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت، از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و نمودار پراکندگی استفاده شده است. همبستگی بین عوامل اقتصادی و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت برابر $0/78$ و ضریب تعیین برابر $0/62$ است و با توجه به سطح معناداری $0/000$ و میزان f محاسبه شده که برابر 257.822 است به لحاظ آماری معادله رگرسیون معنادار است. به عبارت دقیق تر، ۶۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت) را متغیر مستقل (عوامل اقتصادی) تبیین کرده است. میزان بتای به دست آمده در رگرسیون گام به گام برای متغیر عوامل اقتصادی $0/78$ است که در سطح بالایی ارزیابی می شود.

جدول شماره ۲: آزمون سطح معناداری عوامل اقتصادی و میزان گرایش زنان به مهاجرت

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		عوامل اقتصادی (متغیر مستقل) و میزان گرایش زنان به مهاجرت (متغیر وابسته)
		ضرایب استاندارد شده	خطای معیار	
		$Beta$	B	
۰۰۰۰	۱۱.۲۲۶	۰.۷۸۸	۴.۷۰۳	مقدار ثابت
۰۰۰۰	۱۸.۹۱۶	۰.۱۵۲	۵۲.۷۹۵	عوامل اقتصادی

جدول زیر سطح معناداری و ضریب همبستگی پیرسون شاخص‌های متغیرهای مستقل عوامل اقتصادی (امکان کاریابی و اشتغال، درآمد بهتر و امنیت شغلی در کشورهای دیگر) و متغیر وابسته (میزان گرایش زنان به مهاجرت) را به طور خلاصه نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: آزمون رابطه شاخص‌های متغیرهای مستقل عوامل اقتصادی و میزان گرایش زنان به مهاجرت

میزان گرایش مهاجرت زنان (متغیر وابسته)		متغیرهای مستقل
ضریب همبستگی	سطح معناداری یک دامنه	
۰/۵۸۷**	۰.۰۰۰	امکان کاریابی و اشتغال در کشورهای دیگر
۰/۶۸۴**	۰.۰۰۰	تفاوت دستمزدها و درآمد بهتر در کشورهای دیگر
۰/۷۳۸**	۰.۰۰۰	امنیت شغلی در کشورهای دیگر

باتوجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق، مقدار رابطه امکان کاریابی و اشتغال در کشورهای دیگر برابر با ۰/۵۸۷ و مقدار رابطه درآمد بهتر در کشورهای دیگر برابر با ۰/۶۸۴ است، بنابراین، رابطه مستقیم (مثبت) و در حد متوسط است. همچنین مقدار رابطه امنیت شغلی برابر با ۰/۷۳۸ و در نتیجه، مستقیم (مثبت) و در حد بالا است. بدین معنی که با بالا رفتن امکان کاریابی و اشتغال و همچنین درآمد بهتر در کشورهای دیگر، میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت به نسبت متوسطی بالا خواهد رفت. و با بالا رفتن امنیت شغلی در کشورهای دیگر، میزان گرایش به نسبت زیادی بالا خواهد رفت. بنابراین فرضیه‌های پژوهش در مورد عوامل

اقتصادی و رابطه بین امکان کارایی و اشتغال، درآمد بهتر و امنیت شغلی در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت تأیید می شوند.

برای سنجش رابطه بین عوامل اجتماعی و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت، از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و نمودار پراکندگی استفاده شده است. همبستگی بین عوامل اجتماعی و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت برابر $0/89$ و ضریب تعیین برابر $0/80$ است و با توجه به سطح معناداری 0.000 و میزان f محاسبه شده که برابر 891.859 است به لحاظ آماری معادله رگرسیون معنادار است. به عبارت دقیق تر 80 درصد از تغییرات متغیر وابسته را (میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت) متغیر مستقل (عوامل اجتماعی) تبیین می کند. میزان بتای به دست آمده در رگرسیون گام به گام برای متغیر عوامل اقتصادی $0/89$ است که در سطح بالایی ارزیابی می شود.

جدول شماره ۴: آزمون رابطه عوامل اجتماعی و میزان گرایش زنان به مهاجرت

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد نشده		عوامل اجتماعی (متغیر مستقل) و میزان گرایش زنان به مهاجرت (متغیر وابسته)
		$Beta$	B خطای معیار	
$0/000$	7.242	0.896	3.821	مقدار ثابت
$0/000$	29.864	0.896	0.073	عوامل اجتماعی

جدول زیر سطح معناداری و ضریب همبستگی پیرسون در مورد شاخص‌های عوامل اجتماعی (تأمین منزلت اجتماعی، شایسته سالاری، حقوق برابر زنان و فضای اجتماعی مناسب در کشورهای دیگر) و متغیر وابسته (میزان گرایش زنان به مهاجرت) را به طور خلاصه نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵: آزمون رابطه شاخص‌های اجتماعی و میزان گرایش زنان به مهاجرت

میزان گرایش زنان به مهاجرت (متغیر وابسته)		متغیرهای مستقل
ضریب همبستگی	سطح معناداری یک	
پیرسون	دامنه	
۰/۷۳۰ **	۰/۰۰۰	تأمین منزلت اجتماعی در کشورهای دیگر
۰/۵۶۷ **	۰/۰۰۰	تأمین شایسته سالاری در کشورهای دیگر
۰/۷۷۰ **	۰/۰۰۰	تأمین حقوق برابر زن و مرد در کشورهای دیگر
۰/۷۹۰ **	۰/۰۰۰	تأمین فضای اجتماعی مناسب در کشورهای دیگر

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق، مقدار رابطه تأمین منزلت اجتماعی در کشورهای دیگر که برابر با ۰/۷۳۰ است؛ مقدار رابطه تأمین حقوق برابر زن و مرد در کشورهای دیگر که برابر با ۰/۷۷۰ است و مقدار رابطه تأمین فضای اجتماعی مناسب که برابر با ۰/۷۹۰ است، مستقیم (مثبت) و در حد بالا است، همچنین مقدار رابطه تأمین شایسته سالاری در کشورهای دیگر که برابر با ۰/۵۶۷ است، مستقیم (مثبت) و در حد متوسط است. بدین معنی که با بالا رفتن تأمین منزلت اجتماعی، حقوق برابر زن و مرد و فضای اجتماعی مناسب در کشورهای دیگر، میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت به نسبت زیادی بالا خواهد رفت. و با بالا رفتن تأمین شایسته سالاری در کشورهای دیگر، میزان این گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت به نسبت متوسطی بالا می‌رود. بنابراین فرضیه‌های پژوهش در مورد عوامل اجتماعی از جمله رابطه بین تأمین منزلت اجتماعی، شایسته سالاری، حقوق برابر زن و مرد و فضای اجتماعی مناسب در کشورهای دیگر و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت تأیید می‌شوند.

برای سنجش رابطه بین عوامل فرهنگی و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و نمودار پراکندگی استفاده شده است. همبستگی بین عوامل فرهنگی و میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت برابر ۰/۸۶ و ضریب تعیین برابر ۰/۷۴ است و با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ و میزان f محاسبه شده که برابر ۶۲۵/۵۰۳ است، به لحاظ آماری معادله رگرسیون معنادار است. به عبارت دقیق‌تر ۷۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت) را متغیر مستقل (عوامل فرهنگی) تبیین می‌کند.

میزان بتای به دست آمده در رگرسیون گام به گام برای متغیر عوامل فرهنگی ۰/۸۶ است که در سطح بالایی ارزیابی می شود.

جدول شماره ۶: آزمون سطح معناداری عوامل فرهنگی و میزان گرایش زنان به مهاجرت

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد نشده		میزان گرایش زنان به مهاجرت (متغیر وابسته)
		$Beta$	B	
۰/۰۰۰	۱۰.۰۴۰	۰.۸۶۱	۴۰.۶۲۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۲۵.۰۱۰	۰.۰۷۲	۱.۷۹۷	عوامل فرهنگی

جدول زیر سطح معناداری و ضریب همبستگی پیرسون در مورد متغیرهای مستقل (امکانات آموزشی، آزادی در عقیده و مذهب، آزادی در نوع پوشش و تعلقات قومی و خویشاوندی در کشورهای دیگر) از عوامل فرهنگی و متغیر وابسته (میزان گرایش زنان به مهاجرت) را به طور خلاصه نشان می دهد.

جدول شماره ۷: آزمون رابطه شاخص‌های فرهنگی و میزان گرایش زنان به مهاجرت

میزان گرایش زنان به مهاجرت (متغیر وابسته)	سطح معناداری یک ضریب همبستگی	متغیرهای مستقل
پیرسون	دامنه	امکانات آموزشی در کشورهای دیگر
۰/۷۶۰ **	۰.۰۰۰	آزادی عقیده در کشورهای دیگر
۰/۷۴۴ **	۰.۰۰۰	آزادی نوع پوشش در کشورهای دیگر
۰/۶۳۳ **	۰.۰۰۰	تعلقات قومی و خویشاوندی در کشورهای دیگر
۰/۵۲۴ **	۰.۰۰۰	

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق، مقدار رابطه امکانات آموزشی در کشورهای دیگر که برابر با ۰/۷۶۰ است و مقدار رابطه آزادی عقیده و مذهب در کشورهای دیگر که برابر با ۰/۴۴

است، مستقیم و در حد بالاست، همچنین مقدار رابطه آزادی برای نوع پوشش در کشورهای دیگر که برابر با ۰/۶۳۳ است و مقدار رابطه تعلقات قومی و خویشاوندی که برابر با ۰/۵۲۴ است، مستقیم (مثبت) و در حد متوسط است. بدین معنی که با بالا رفتن امکانات آموزشی و آزادی عقیده و مذهب در کشورهای دیگر، میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت به نسبت زیادی بالا خواهد رفت. و با بالا رفتن آزادی در نوع پوشش و تعلقات قومی و خویشاوندی در کشورهای دیگر، میزان این گرایش به نسبت متوسطی بالا می رود.

معادله رگرسیون عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میزان گرایش زنان به مهاجرت معنادار است. به عبارت دقیق تر ۹۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت) را متغیر مستقل (عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) پوشش می دهد. میزان بتای به دست آمده در رگرسیون گام به گام برای متغیر عوامل اقتصادی ۰/۳۲، عوامل اجتماعی ۰/۳۹ و عوامل فرهنگی ۰/۴۴ است که در سطح بالایی ارزیابی می شود.

جدول شماره ۸: رگرسیون عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میزان گرایش زنان

عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (متغیر مستقل) و میزان گرایش زنان به مهاجرت (متغیر وابسته)	ضرایب استاندارد		خطای معیار	B	ت	سطح معناداری
	نشده	ضرایب استاندارد شده				
مقدار ثابت	۳/۹۶۰	۱/۰۶۰			۳/۷۳۵	۰/۰۰۰
عوامل اقتصادی	۱/۱۸۷	۰/۰۳۶			۳۲/۵۵۳	۰/۰۰۰
عوامل اجتماعی	۰/۹۵۲	۰/۰۲۹			۳۳/۰۱۷	۰/۰۰۰
عوامل فرهنگی	۰/۹۲۳	۰/۰۲۲			۴۲/۷۱۴	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از داده های تحقیق می توان گفت که کلیه متغیرهای عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در تبیین گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت نقش دارند. براساس نتایج حاصله عوامل فرهنگی بیشترین تأثیر را بر گرایش به مهاجرت در بین بانوان تهران دارد و عوامل اجتماعی در مرتبه بعدی قرار می گیرد و در نهایت عوامل اقتصادی نیز تأثیر زیادی بر گرایش به مهاجرت در بین بانوان تهرانی دارد.

بحث و نتیجه گیری

بررسی فرضیه های این پژوهش نشان داد که میزان همبستگی عوامل اقتصادی و گرایش زنان به مهاجرت ۰/۷۸ است که نسبتاً بالا ارزیابی می شود. بدین معنی که دافعه های میزان درآمد اقتصادی در کشورهای مبدا و جاذبه امکان کارایی و امنیت شغلی و درآمد بهتر در کشور مقصد میل و گرایش به مهاجرت را در میان کشورهای جهان سوم همچنان در سطح بالایی نگه می دارد. یکی از مسایل مرتبط با زنان مهاجر در دیدگاه فمینیستی، نابرابری و تبعیض علیه زنان در بازار کار است. براساس مبانی نظری فمینیست ها نیز در بحث نابرابری در بازار کار به نابرابری در دسترسی به فرصت های شغلی، نابرابری دستمزد، محدودیت شغلی، بهره کشی از زنان و ناامنی در محیط کار اشاره می شود. مسایل مرتبط با زنان مهاجر از دیدگاه نظریه جهانی شدن شامل آگاهی آنها در کشور مبدأ از طریق رسانه های جمعی و جهانی مانند اینترنت، ماهواره، و غیره، مقایسه وضعیت خود در کشور مبدأ و مقصد، و استفاده از موقعیت های بهتر است. از دیدگاه نظریه سرمایه نیروی انسانی، با در نظر گرفتن مجموع هزینه های واقعی مهاجرت مانند هزینه های پولی مستقیم، هزینه های پولی غیرمستقیم و هزینه های روانی، گرایش بالای زنان نشان دهنده برآورد شدن تمامی خواسته ها و رسیدن به موقعیت های بهتر است.

همبستگی بین عوامل اجتماعی و میزان گرایش به مهاجرت در میان زنان ۰/۸۹ است که در حد بالا ارزیابی می شود؛ با توجه به معنادار بودن رابطه فوق به نظر می رسد، شرایط اجتماعی زیست محیطی مبدأ و امید به شرایط اجتماعی مناسب در مقصد همواره عامل محرک و برانگیزنده گرایش به مهاجرت است. در رویکرد فمینیستی به مهاجرت زنان بر فرصت های جدیدی که مهاجرت برای بهبود زندگی و تغییر روابط جنسیتی فراهم می کند، تأکید مس شود. مهاجرت زنان می تواند منبع استقلال، اعتماد به نفس بیشتر و پایگاه اجتماعی بالاتر برای آنان باشد. مهاجرت بر روابط جنسیتی مخصوصاً نقش زنان در خانواده و اجتماع تأثیر می گذارد. و در بسیاری از جنبه ها استقلال و قدرت زنان را تقویت می کند. آنها با هنجارهای جدید مرتبط با حقوق و فرصت های زنان آشنا می شوند. اگر به مشاغل بیرونی دسترسی داشته باشند ممکن است به منابع مالی نیز دست یابند و این عاملی اساسی برای استقلال زنان در تصمیم گیری و قبول مسئولیت بیشتر در زمینه امور خود و خانواده می شود. لذا کلیه متغیرهای منزلت اجتماعی، شایسته سالاری، تأمین حقوق زنان و فضای اجتماعی مناسب براساس این رویکرد

قابل تبیین است و همچنان که مشاهده شد رابطه معناداری بین متغیرهای فوق و گرایش به مهاجرت وجود داشته است.

همبستگی و رابطه بین عوامل فرهنگی و میزان گرایش به مهاجرت در میان زنان ۰/۸۶ می‌باشد که در مقایسه با دیگر عوامل اقتصادی و اجتماعی اولویت بالاتری دارد. لذا به نظر می‌رسد با بالا رفتن سطح عوامل فرهنگی در کشورهای دیگر، میزان گرایش بانوان تهرانی به مهاجرت به نسبت زیادی بالا خواهد رفت. علل فرهنگی مهاجرت را می‌توان انگیزه‌های مربوط به تحصیلات اعضای خانواده، دریافت امکانات آموزشی، تحصیلی بهتر و برتر و قرار گرفتن در محیطی فرهنگی و آزاد برای ابراز عقیده را ذکر کرد. با جهانی شدن و گسترش وسایل ارتباط جمعی، و با مقایسه وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشورهای پیشرفته، گرایش به مهاجرت نیز افزایش خواهد یافت. عواملی مانند در دسترس بودن امکانات آموزشی در کلیه مقاطع تحصیلی، دسترسی به منابع علمی روز به خصوص برای تحصیل کودکان و ارتقای سطح علمی آنان، کمک و تسهیلات برای پژوهش و تحقیقات علمی، آزادی بیان و انتخاب نوع پوشش از عوامل جاذب در کشورهای پیشرفته اند.

در بررسی رابطه بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با گرایش به مهاجرت در میان زنان، برای تعیین اولویت و هر عامل نسبت به دیگری از همبستگی استفاده شد و در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه ای بسیار قوی بین متغیرهای فوق و میزان گرایش به مهاجرت مشاهده شد، تحلیل رگرسیون نیز مشخص کرد که تغییرات متغیر وابسته گرایش به مهاجرت را این سه متغیر تبیین می‌کنند. به عبارت دقیق‌تر، ۹۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته میزان گرایش به مهاجرت در میان بانوان تهرانی متغیرهای مستقل عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبیین می‌کنند. سهم میزان تأثیر هر یک از متغیرها به ترتیب عبارت است از: عوامل فرهنگی با بتای ۰.۴۴۲. عوامل اجتماعی با بتای ۰.۳۹۱ و عوامل اقتصادی با بتای ۰.۳۲۵. براین اساس عوامل فرهنگی بیشترین تأثیر را بر گرایش به مهاجرت در بین بانوان تهران دارد و عوامل اجتماعی در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد، در نهایت عوامل اقتصادی نیز تأثیر زیادی بر گرایش به مهاجرت در بین بانوان تهرانی دارد. میزان همبستگی و همپوشی هر یک از متغیرهای فوق و تفاوت ناچیز عددی در میزان تأثیر نشان‌دهنده اهمیت هر یک از عوامل چندگانه فوق در تبیین گرایش به مهاجرت در بین بانوان تهرانی است. مسلماً تصمیم به مهاجرت تصمیمی یک شبه نیست، عملی است که در فرایند زمان و براساس شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی موقعیت‌های روانی

ناشی از مسایل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرد. شاید هرگز نتوان انگیزه‌های مهاجرت را به طور کامل از بین برد، بلکه تنها می‌توان با بررسی و شناسایی این تمایلات و اقدامات ضروری و همه جانبه ای که لازمه نیل به توسعه پایدار نیز هست، سیر مهاجرت را کندتر کرد.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های تجربی پژوهش، می‌توان روی این پیشنهادها تأمل کرد. از روش‌های کیفی از نوع دلفی برای بررسی مسأله مهاجرت زنان استفاده شود؛ از نظریه‌های دیگر از جمله نظریه بُرد متوسط مرتون در تحلیل مسئله استفاده شود؛ تحقیق علی-مقایسه ای جامعی با حضور دو گروه زنان مهاجر و زنانی که تمایل به مهاجرت دارند، انجام داده شود. پیشنهاد می‌شود که برنامه ریزان، سیاست گذاران و مسئولان مرتبط با هر یک از عوامل سه گانه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با بررسی مطالعات صورت گرفته در حوزه زنان، حداکثر شرایط را برای کاهش دافعه‌های مبدا فراهم سازند؛ وجود زمینه فرهنگی مناسب در جامعه برای حفظ شأن اجتماعی زنان، تأمین امنیت شغلی و اجتماعی آنان، وجود فضای امن و سرزنده و جلوگیری از هرگونه برخورد سلیقه‌ای با بانوان می‌تواند بر کاهش گرایش به مهاجرت تأثیر بگذارد. رسانه‌های جمعی نقش بسزایی در فرهنگ سازی دارند، نظارت بر تبلیغات و اشاعه فرهنگ شایسته سالاری بدون در نظر گرفتن جنسیت افراد نیز یکی از همین عوامل است. توجه قانونگذار به هر چه ملموس‌تر شدن عدالت و برابری در حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی زنان و مردان؛ تشکیل مراکزی برای جذب نخبگان و مشارکت و اشتغال آنان بدون تفکیک جنسیتی، حمایت دولت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی برای دفاع از حقوق زنان و مشارکت زنان تحصیل کرده در چنین سازمان‌هایی برای درک موقعیت زنان بسیار تأثیرگذار است.

منابع

فارسی

- زنجانی، ح.ا. (۱۳۸۰)، **مهاجرت**، انتشارات سمت، تهران.
- شعبانلو، ر. (۱۳۸۰)، **بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور**، پایان نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تربیت مدرس.